

ولی احمد نوری

فرانسه، ۸ فروری ۲۰۰۸

یادی از پوهاند سید بهاء الدین مجروح نویسنده، شاعر و فیلسوف افغان

دوازدهم فروری مصادف است با بیستمین سالروز ماتمزی شهادت فرزند صدیق وطن جناب پوهاند سید بهاء الدین مجروح. پوهاند بهاء الدین مجروح که نقش مشعشع او در تاریخ افغانستان فروزان خواهد بود، به اثر حقیقت جوئی و حقیقت جوئی زندگی اش را از دست داد. او در راه وطنش قربان شد و نامش را با نام مقاومت آزادی بخش افغانستان با خون خود رقم زد. الحق که نام او در صفحات پر افتخار تاریخ مقاومت میهن ما ماندگار و جاویدان خواهد ماند.

موجودیت فرزندان فرزانه ای چون سید بهاء الدین مجروح، استاد عبدالرحمان پژواک، دگر جنرال عبدالحکیم کتواری، گل پاچا الفت، جنت گل غروال، عبدالاحد کرزی، عبدالرحیم چینزائی، محمد ولی خدران و تعداد دیگر که از یکطرف خار چشم تیکه داران جهادی بودند و از سوی دیگر توسط استخبارات پاکستان (آی اس آی) خریداری نمی شدند تا به خیانت کاری در حق افغانستان استخدام و گماشته شوند. سرنوشت شان همین بود که در عکس دلخراش پائین مشاهده می کنید.

وجود سید بهاء الدین مجروح از نظر تیکه داران جهاد، (آی اس آی) پاکستان و سرویس استخبارات (کی جی بی) و حکومت آخوند های ایران قابل تحمل نبود.

او در آغازین سالهای جهاد مقدس و مقاومت مردم افغانستان آژانس فرهنگی و خبری معتبری را در پیشاور پاکستان بنیاد نهاد که آهسته آهسته اعتماد تمام رسانه های خبری جهان و ژورنالیست های بین المللی را بطرف خود جلب نمود و همه جراید، مجلات و روزنامه های معتبر جهان خبرهای مربوط به جنگ (افغان - شوروی) را از کانال او اخذ میکردند.

این بهاء الدین مجروح بود که برای بار نخست در راپورهایش نوشت که " پاکستان بقای خود را در فناء افغانستان میداند و هیچگاه از تلاش در راه ویرانی و بی ثبات ساختن کشور ما دست بر نمیدارد." این او بود که به زمامداران پاکستانی هنگام ملاقات های رسمی اش مفهوم شعر آتی را به زبان اکادمیک انگلیسی بیان میکرد:

نهال دوستی بنشان که کام دل بیار آرد * درخت دشمنی برگن که رنج بی شمار آرد

این او بود که رهبران تنظیم های پیشاور و افغان های خارج کشور را که در سطح جهاد و مقاومت مطرح بودند مستحضر می ساخت که پاکستان نه تنها به خیر و صلاح افغانستان کار نمی کند بلکه در صدد تخریب، تجزیه و ویرانی مقاومت افغانها افتاده و در این راه غیر اسلامی سخت مصروف است. ولی تنظیم های به اصطلاح جهادی

که ادعای حراست از اسلام و کعبه را داشتند متأسفانه از کعبه شان کفر برخاست، و نه تنها به اخطار های مجروح واقعی نگذاشتند بلکه با او سر عناد و خصومت را گرفتند. آنها ندانستند که ملت از آنها انتظار دگری داشت. بلی

چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی

این مجروح بود که از افتتاح چندین صد مدرسه بنیادگرائی و افراط آموزی و در حقیقت تعلیم دهی پسران و یتیمان مهاجرین افغان در پاکستان در راه عملیات تروریستی، رسانه ها را باخبر ساخت.

این او بود که برای نخستین بار پلان شوم پاکستان را جهت به رسمیت شناختن خط جعلی دیورند افشاء نمود و فریاد زد که پاکستان در صدد الحاق مناطق سرحدی افغانستان است.



پیکر خون آلود و سوراخ سوراخ شهید پوهاند بهاء الدین مجروح ساعتی بعد از سانحه شهادتش

این مجروح بود که برای بار اول تجاوزعریان شوروی را به افغانستان و نتایج اسفبار آنرا به جهان و جهانیان اعلان نمود. او در ترتیب احصائیه گیری ید طولاً داشت. قرار احصائیه های او در جنگ (افغان - شوروی) یک و نیم میلیون انسان افغانستان بقتل رسیده، بیش از پنجصد هزار معیوب شده، پنج میلیون افغان به خارج و دو میلیون در داخل کشور مهاجر و آواره شده اند.

این او بود که برای بار نخست از جاگزینی بیش از سی میلیون ماین ضد پرسونل در سراسر کشور خبر داد که بطور اوسط در هر روز سه نفر را به قتل میرساند، (در یکسال بیش از ۱۰۹۰ نفر)

به نظر من مهمترین چیزی که سبب قتل او شد همه پرسشی بود که از طرف او و همکاران جوانش در کمپ های پناهندگان پیشاور و دیگر شهرهای پاکستان به وقوع پیوست. وقتی بازگشت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه از طرف امریکا و شوروی مطرح شد و ریشه در اندام تیکه داران جهادی افتاد و هر کدام شان بازگشت پادشاه را به افغانستان تحریم کردند. حتی گلبدین و سیاف از اینهم یک گام فراتر نهادند و گفتند هرگاه محمد ظاهر شاه به افغانستان بیاید باید چشمان خود را سرمه کند و برای قربانی حاضر باشد چه ما او را مانند گوسفند قربانی، قربانی میکنیم. درینجا بهاء الدین مجروح برای معلوم کردن آرای مردم افغانستان که در کمپ های پناهندگان تجمع کرده بودند مراجعه نمود و بعد از ماه ها فعالیت، فهرستی از آرای مردم را به نشر سپرد که در آن ۷۴ فیصد مردم طرفدار بازگشت پادشاه شان بودند و ۲۶ فیصد باقی آراء بین رؤسای تنظیمها تقسیم شده بود که کمترین از ربانی بود یعنی ۳ فیصد و بلندترین از حکتیار بود یعنی ۶ فیصد. و همین بود که حکم اعدام او از مرید قاتلین (آی اس آی - کی جی بی- جناحهای تند رو تنظیم های پیشاور و پاسداران آنها) صادر گردید. به قول جناب نصیر فاروقی او با هجرت از وطن از دم تیغ نوکران روس رهائی یافت، ولی در مسلخ اسلام سیاسی زیح گردید. روحش شاد و یادش برای ابد گرامی باد. اما او مانند شیر ژبانی که ترس و خوف را نمی شناخت به فعالیتش ادامه داد و همیشه این شعر محمود طرزی را زمزمه میکرد:

حیات را چه می کنم ، وطن حیات من توئی
 اگر تو رفتی از کفم ، وطن ممات من توئی
 برای هر سعادت من ، وطن برات من توئی
 وطن تو کعبه منی ، وطن صلوات من توئی
 محبتت به جان من چو پود ها به تار ها

بدین ذریعه از افغان های اصیل خامه بدست و وطن پرست تقاضا مینمایم تا قلم بردارند و در باره این فرزند بزرگ افغانستان بنویسند.



پوهاند مجروح با پروفیسور ارمکورا ضمن مذاکره
 راجع به حقوق بشر در افغانستان

پایان